

رسایل سیاسی عصر قاجار

○ حجت فلاح توتکار

○ رسایل سیاسی عصر قاجار

○ تصحیح: غلامحسین زرگری نژاد

○ ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۷۲۲ ص

مشاهدات سراسر شگفت‌آور و بدیع خود برای ایرانیان ارائه کرد. او انگلستان را «ولایت آزادی» خواند و از برخی نمادهای حکومت جدید نیز اسم برد.^۲ به تدریج خاصه از دوران ناصری تکاپوها برای تحول در ساخت سیاست مطلقه جدی‌تر شد. امیرکبیر هر چند خود از انگاره حکومتی شهریاری جدا نشده بود، اما اقدامات او در عرصه‌های مختلف می‌توانست بنیادی برای تحول ایجاد کند. دوره صدارت امیرکبیر که دکتر زرگری نژاد وی را بانی اندیشه اصلاحات در درون هیأت حاکمه قاجاری می‌داند،^۳ چندان نیاثید و جناح واپس‌گرایی دربار ناصری با به قتل رساندن وی آن تکاپوهای محدود اصلاح‌گرایانه را نیز مانع آمد. پس از عزل آقاخان نوری، فضایی ایجاد شد که خیرخواهان و صاحبان اندیشه به طرح دیدگاه‌های خود در اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه بپردازند. رساله غیبی میرزا ملکم‌خان و کثیری دیگر از رسایل سیاسی اصلاح‌گران در همین دوران ارائه شد. اما به دلیل وابستگی بنیادین شاه به جناح واپس‌گرا هیچ‌گاه آن اندیشه‌ها مورد استقبال هیأت حاکمه قاجاری قرار نگرفت عزل میرزا حسین‌خان سپهسالار و تجربه تاکام سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای اصلاح ساخت قدرت قاجاری، به تدریج اندیشه در انداختن طرحی نو برای حل معضل ساخت قدرت تکوین یافت که انقلاب مشروطیت حاصل آن بود.

نخستین رساله این مجموعه «سیاست مدن» ساوچی است. این رساله بر بنیاد اندیشه آرمان شهریاری شکل گرفت و رساله‌ای در اندرز است. اندرزنامه‌نویسی در عصر ناصری به طور عام به مشروعیت بخشیدن به «سلطنت واقفاً موجود» تنزل پیدا کرده بود اما در آن میان نیز می‌توان به رسایلی از جمله رساله سیاست مدن ساوچی اشاره کرد که بر چنین انگیزه‌ای نگاشته نشده است. رساله سیاست مدن حکایت از فهم گسترده نویسنده از مبانی اصلی و اساسی اندیشه شهریاری دارد اما آن چه را که ساوچی دریافته این بود که دیگر بازسازی الگوی آرمان شهریاری مشکلی از معضلات ساخت قدرت زمانه حل نمی‌کرده است و تنها به باز تولید اندیشه عقب‌ماندگی منجر می‌شد.

ساوچی در آغاز رساله به بیان معنا و اهمیت سلطنت می‌پردازد و سپس منشا و ضرورت پادشاهی و سلطنت را، حق الهی سلطنت، برون رفت جامعه از ظلم و ستم رسیدگی به معیشت مردم و ایجاد امنیت بر بنیاد عدالت می‌داند. ساوچی همچنین برای ثبات و دوام سلطنت شرایط دهگانه‌ای را برمی‌شمارد که جدا از مراعات خداوند و رعایت شریعت حضرت سیدالمرسلین،

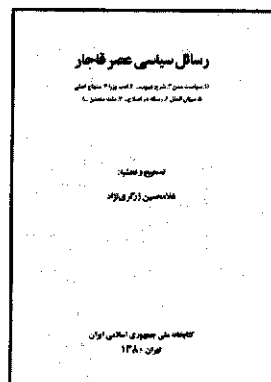
رسایل سیاسی عصر قاجار، مجموعه‌ای از هفت رساله در اندیشه سیاسی است که به تازگی به کوشش استاد تاریخ معاصر ایران، دکتر غلامحسین زرگری نژاد منتشر شده است. پیش از این در همین زمینه دکتر زرگری نژاد مجموعه‌ای از رسایل مشروطیت را منتشر کرده بود.

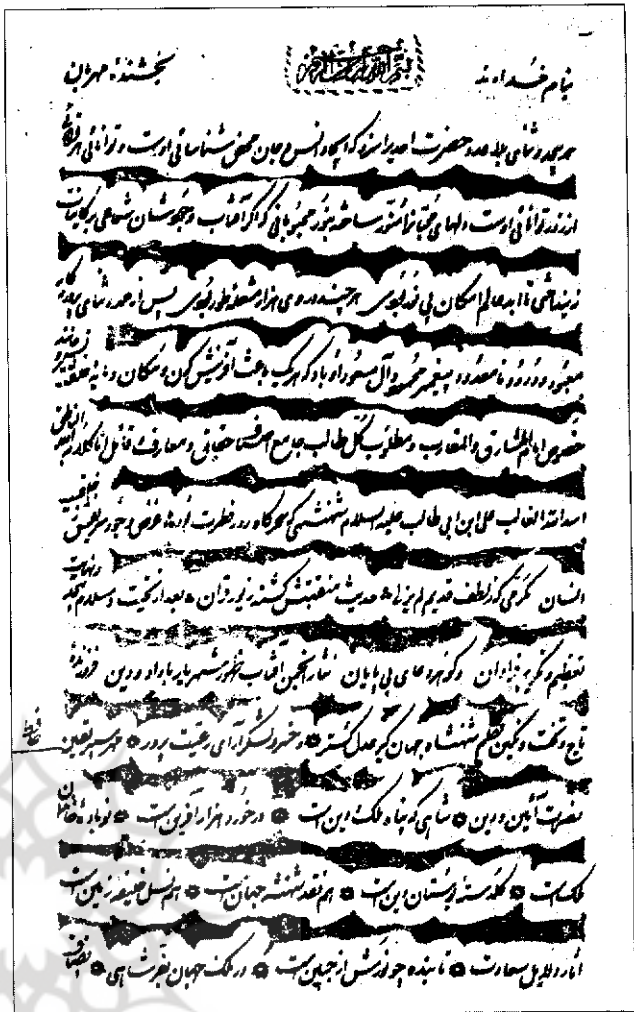
کاوش در تاریخ اندیشه سیاسی در دو سده واپسین ایران و پی بردن و دریافتن اسلوب تفکر، گفتارهای مسلط و حاشیه‌ای آن و مضامین و فراز و فرود آن نه تنها

«مستلزم مطالعه و واری تمام منابع تاریخ معاصر ایران و خصوصاً منابع اندیشه سیاسی و اجتماعی است» بلکه نیازمند فهم رابطه دیالکتیکی اندیشه سیاسی با هستی اجتماعی در تاریخ دوپست ساله اخیر ایران است.

چنان‌که می‌دانیم مسأله اصلی و اساسی متفکران ایرانی از آغازین دهه‌های عصر قاجاران برخورد ایران و غرب بود. دو دنیای یکسر متفاوت در برابر هم قرار گرفته بودند. غرب با مضامین جدید تفکر و با مناسبات اجتماعی کاملاً جدید که بورژوازی‌اش می‌خوانند و ایران قاجار نیز برآمده از چندین سده نا امنی و بی‌سامانی و جنگ‌های طوایف و قبایل و با نوعی ثبات در مبانی تفکر و ساخت اجتماعی - اقتصادی ماقبل بورژوازی.

در چنین هنگامه‌ای بود که نخستین تماس‌های ایران و غرب برقرار شد. در دوران جنگ‌های ایران و روس به دلیل واپس‌ماندگی تکنیک جنگ، ضرورت اصلاح و دگرگونی ساختار نظامی و علوم متناظر آن در اندیشه تعدادی از رجال دیوانی شکل گرفت. بر چنین زمینه‌ای به اعزام محصلین به فرنگ اقدام شد. آنها البته برای آموختن وجه فن‌آوری مدنیت جدید به دیار فرنگ رهسپار شده بودند. میرزا صالح شیروازی که یکی از آن بود پس از بازگشت گزارشی از





تصویر صفحه اول نسخه خطی رساله «ادب وزرا» نوشته حکیم ذوقنون

رساله ششم کتاب، رساله در اصلاح امور از خان خان است. هراس از تحولی ناگهانی پس از به قتل رسیدن ناصرالدین شاه نویسنده را واداشته تا با نگارش این رساله ضرورت تغییر و تحول در دستگاه حکومتی را به شاه جدید گوشزد نماید

به مدت چهارده سال در «صفحات فرنگستان» اشاره می‌کند. نویسنده رساله با این بیان می‌خواهد دولتمردان را از تکاپوهای اصلاح‌گرایانه برخی روشنفکران که «می‌خواهند، قوانین ملل فرنگستان را در مملکت اسلامی جاری نمایند» برحذر دارد. نویسنده از موتمن‌الملک می‌خواهد به هر طریق شده کتابچه او را «به انور بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی» بگذراند. به واقع نویسنده کتابچه همه تلاش خود را در نقادی اندیشه روشنفکری، خاصه دیدگاه‌های میرزا ملکم‌خان نموده است. نویسنده به ستایش و تجلیل از گذشته پرشکوه ایران پرداخته، گذشته پرشکوهی که به زعم نویسنده تا پایان عصر صفوی تداوم داشته است. نویسنده همچنین به ستایش امیرکبیر پرداخته و درباره شخصیت وی بر این باور است که «به خدا قسم است. قرن‌ها بگذرد در ایران مثلش پیدا نکنند» نویسنده جدا از نقادی دوران صدارت آقاخان نوری بر این باور است که حضور زنان در عرصه سیاست و شیوه «زیست شاهزادگان و سادات و خوانین از عوامل زوال و خرابی مملکت است.»

نویسنده رساله علت آبادی و آسایش عیسویان و فرنگی‌ها را توسل آنها به قوانین محمدی می‌داند. نویسنده اولین شرط پادشاهی و آیین مملکتداری را مجلس کنکاش و دارالشورای ملتی می‌داند اما در باب چگونگی تشکیل چنین مجلسی و ترکیب اعضای آن سخنی نمی‌گوید.

از نظر نویسنده وظیفه چنین مجلس آن است که «وامر مقدس پادشاهی را نقطه به نقطه در ادارات دولتی مجری می‌نماید، این مجلس [هر] سال کورورات بر خزانه دولت می‌افزاید» این عبارات بیانگر دریافت نویسنده از مجلس ملتی است. مجلسی که ملت را در آن حق و دخالتی نیست.

نویسنده همچنین در باب توسعه اقتصادی، ایجاد راه‌آهن را از شروط اساسی آن می‌داند؛ و دولتمردان را در ایجاد صنایع نوین از اعتماد به «فرنگان» برحذر می‌دارد: «نکته در اینجاست که در اجرای این گونه امور ایرانیان امروز کور و کردند، لکن هیچ‌گاه بر فرنگان اعتماد نشاید. تا امروز صنعتی به ایرانیان یاد نداده‌اند.» آنچه که باید در این باره طرح کرد این است که ایجاد توسعه‌ای درون‌زا در آن مقطع تاریخی تنها از طریق گسست از انگاره حکومتی پادشاه - رعیت و در انداختن طرح نظریه جدید سیاسی بر بنیاد حقوق ملت بود مقوله‌ای که نویسنده باوری به آن نداشت و تنها در اندیشه تحکیم حاکمیت مطلق العنانی قاجاری بود. در ص ۱۷۰ که از صفحات پایانی رساله فوق‌الذکر است مصحح محترم به جای یک عبارت یا یک واژه نقطه‌چین گذاشته اما توضیحی نداده که آیا به دلیل افتادگی در اصل نسخه خطی بوده یا عبارت و واژه‌های خوانا نبوده است و یا دلیلی دیگر داشته است.

سومین رساله این مجموعه، رساله‌ای در اندرز به نام ادب وزرا از محمدعلی

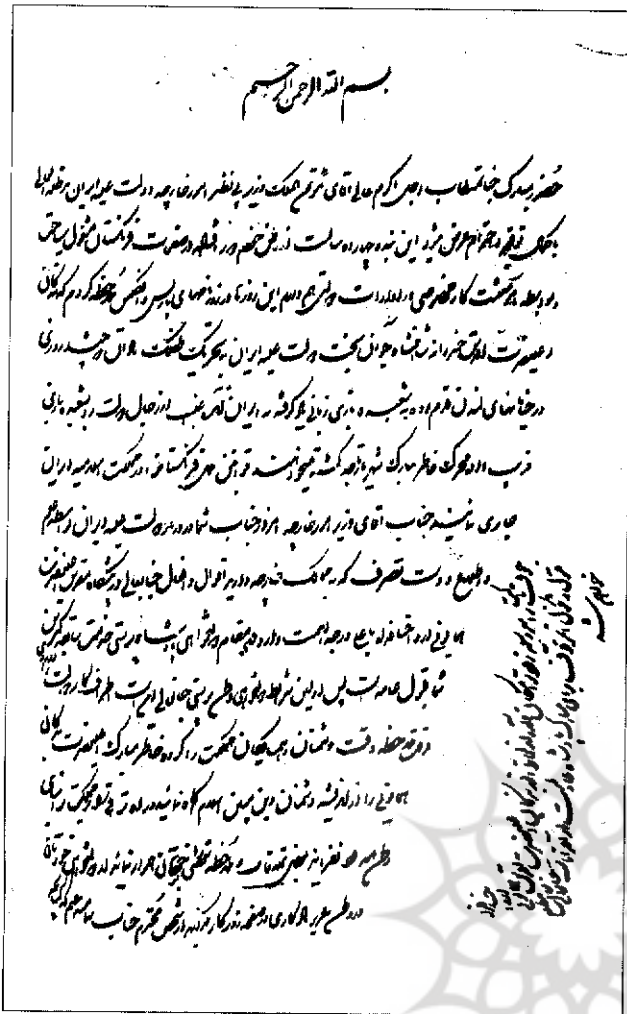
مقوله عدالت را در قوام و دوام سلطنت مقوله اساسی می‌داند و بحثی مفصل در پرتو احادیث و روایات و اقوال حکیمان در اهمیت عدالت در تحکیم سلطنت ارائه می‌کند. او با تعریف عدالت به معنای «وضع شی است در موضع خود» با تقسیم خلاق بر چهار صنف بر بنیاد اعتدال مزاج بر این باور است که وظیفه سلطان این است که اعتدال مزاج تمدنی و اجتماعی را نیز رعایت کند «و از شرایط معدلت آن است که بعد از تکافو و تساوی میان اصناف اربعه، در احوال هر یک از آحاد هر طایفه نظر باید نمود و مرتبه هر یک را به قدر و استحقاق و استعداد، تعیین فرمود تا ترجیح مروج بر راجح و تقدیم مفصول بر فاضل لازم نیاید»

ساوچی به اهمیت جایگاه وزارت و وزیر در الگوی شهریاری نیز واقف است «نصب و تعیین وزراء امانت‌پیشه و صواب‌خیر اندیشه است و این اهم مهم سلطنت و شهریاری و رکن رکن خلافت و جهانداری است» و برای وزیر در چگونگی رسیدن به احوال مردم نیز شروطی قایل شده است.

هر چند سیاست مدن ساوچی در تاریخ اندرزنامه‌نویسی از رساله‌های جدی و بنیادی است و حکایت از فهم گسترده نویسنده از اسلوب چنین تفکری دارد اما چنان که پیشتر متذکر شدیم اندیشه دیرینه سال پادشاه - رعیت توان پاسخگویی به مطالبات جدید سیاسی و شرایط اجتماعی - اقتصادی نوظهور را نداشت از این رو ساوچی نیز علی‌رغم تلاش گسترده‌اش برای التزام پادشاه وقت به بهبودی احوال رعیت نتوانست بنیادهای اصلی آن عدم التزام را در واقعیت امر دریاورد. مقوله‌ای که روشنفکران آن را دریافته بودند و در پرتو همین دریافت به طرح اندیشه جدید در حیطه سیاست می‌پرداختند.

رساله دوم این مجموعه «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی» نام دارد. نویسنده رساله، نوشتار خود را به وزیر خارجه وقت میرزا سعیدخان موتمن‌الملک ارائه کرده و در آغاز رساله برای بیان اهمیت دیدگاه‌های خود به تجربه‌اندوزی‌اش

تصویر صفحه اول نسخه خطی رساله
«شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران»



ساوچی علی رغم تلاش گسترده‌اش برای التزام پادشاه وقت به بهبودی احوال رعیت، نتوانست بنیادهای اصلی آن عدم التزام را در واقعیت امر دریابد. مقوله‌ای که روشنفکران آن را دریافته بودند و در پرتو همین دریافت به طرح اندیشه جدید در حیطة سیاست می پرداختند

طباطبایی، حکیم ذوقنون است. وی این رساله را در سال ۱۲۸۲ ق نگاشته است. حکیم ذوقنون که رساله خود را با ستایش ناصرالدین شاه آغاز می کند به چگونگی روی کار آمدن شاه و صدارت امیرکبیر می پردازد. وی عزل امیر را نتیجه غرور و خودپسندی وی می داند: «و این وزیر چون صاحب مقامات حقیقی نبوده و از علم و معرفت بهره‌ای نداشت و دارای عقل مستقیم نبود بلکه یک پارچه غرور و مستی و خودپسندی بود، خود را نتوانست ضبط نماید»^{۱۳} محمدعلی طباطبایی به واقع با چنین داوری میزان حکیم بودن خود را به نمایش می گذارد. او همچنین به نقادی عملکرد آقاخان نوری و دلایل عزل وی می پردازد و به گاه سخن در باب سیاست انگلستان نسبت به ایران در دوره صدارت آقاخان، جایگاه پارلمان انگلیس در عرصه سیاست آن کشور را چنین مطرح می کند: «مشورت خانه ایشان که دولت بی مصلحت او هیچ امری را معمول نمی دارند. هر گاه امری را همه وزراء صحه گذارند و او قبول نکند، آن کار را دولت نمی کند»^{۱۴} حکیم ذوقنون در ادامه رساله خود، در پرتو باور به الگوی پادشاهی ایرانی به شرایط و ویژگی‌های وزیر خوب و کاردان می پردازد و در جایی هم اشاره می کند که پیش از این رساله‌ای در باب «تهی از وزارت منفرد و وزارت جمهور»^{۱۵} نگاشته و از دوستانش هم خواسته بوده آن را به رؤیت شاه رسانند. محمدعلی طباطبایی همچنین به نقادی رفتار ملکم، خاصه در ایجاد فراموشخانه می پردازد و در این باب سخنان بی بنیادی در باب منشاء و چگونگی شکل گیری فراماسونری ابراز می کند. رساله ادب وزرا محمدعلی طباطبایی نمونه‌ای از زوال اندیشه در عرصه اندرزنامه نویسی است.

رساله دیگر این مجموعه رساله **منهاج‌العلی اثر ابوطالب بهبهانی** است. بهبهانی رساله خود را به سال ۱۲۹۴ ق پس از اینکه «عمری در ساحات هندوستان و ایران و روس و روم تا عراق عرب و حجاز و مصر به سیاحت اشتغال»^{۱۶} داشت به گاه اقامت در قاهره نگاشت.

بهبهانی که رساله را به انگیزه مطالعه شاه و تغییر رویه حکومتداری قاجاران نگاشته بود به طرح وسیع اندیشه سیاسی نوین پرداخته است. بهبهانی با برشمردن زمینه‌ها و قابلیت‌های کشور برای تحول و ترقی به ذکر معایب ایران می پردازد و بی نظمی دستگاه دیوان را اصلی‌ترین دلیل واپس ماندگی کشور می داند.

بهبهانی پس از طرح راه‌های مختلف و عملی خروج از واپس ماندگی، تنها راه برون رفت از عقب ماندگی و ایجاد تحول و پیشرفت را در «تاسی و پیروی به اعمال دول خارجه و اخذ رسوم و آداب و قواعد دول فرنگستان می داند» و این پیروی و تاسی را تا آنجا مجاز می شمارد که «منافی و مغایر با مذهب و شریعت اسلام نباشد» او همچنین مخالفت جناحی از روحانیان را در ایجاد حاکمیت قانون و تنظیمات جدید و اخذ قواعد تمدن فرنگستان بی اساس می داند: «واجب و لازم

نیست که حتماً پنجه به گوشت خوک بیالاید یا مسکرات» بنوشد یا اینکه «جهد در منکرات نماید»^{۱۷}

بهبهانی در بررسی راز و رمز ترقی اروپا چون میزبان ملکم خان^{۱۸} بر این باور است که «ظهور و بروز این صنایع حاصل فراغت و آسایش و ثروت و مکنات آنها است و تحصیل این آسایش و مکنات، صورت امکان ندارد الا به تنظیم دستگاه دولت و آیین تمدن و تربیت مردم»^{۱۹} از اینرو به باور بهبهانی قیل از اخذ صنایع جدید باید اخذ علم تمدن و عمران و تنظیمات دستگاه دیوان پرداخت که «اصل مصدر و منشاء ترقی دولت و ملت است».

او همچنین به چگونگی تدوین قانون و ویژگی‌های حاکمیت مبتنی بر قانون می پردازد و تحقق عدالت را نیز در ربط با حاکمیت قانون می بیند. او همچنین انواع نظام‌های سیاسی را معرفی و ویژگی‌های آنها را برمی شمارد.

بهبهانی همچنین با طرح مسأله آزادی بر این باور است که «تیکوترین وسیله و محکم‌ترین اساسی که اهالی فرنگستان به جهت ترقی و ثروت و مکنات دولت و ملت و آبادی مملکت دریافته‌اند حریت است». او با رد مغایرت آزادی با مبانی شریعت اسلامی، برخی از رفتار و رویه‌های فرنگیان را که از دیدگاه «اهل اسلام» غریب می نماید را نه محصول آزادی که «از نوازم مذهب نصاری»^{۲۰} می داند. بر زمینه چنین استدلال‌هایی بود که بعدها در انقلاب مشروطیت علمای مشروطه خواه به دفاع از اندیشه آزادی پرداختند.^{۲۱}

بهبهانی همچنین با طرح مباحثی در باب توسعه اقتصادی به ارائه شیوه حکومتی پیشنهادی خود و انواع وزارتخانه‌ها و وظایف هر کدام و نیز وظایف و کارکردهای مجالس تنظیمات و مشورت می پردازد.

رساله دیگر این مجموعه میزان الملل اثر شاهزاده قاجاری علی بخش قاجار است. او در آغاز به نقادی «مستفترنگان» و «اهل دبه» می پردازد. و سپس تلاش

تصویر دو صفحه اول نسخه خطی «رساله در اصلاح امور» نوشته خان خانان

ایجاد توسعه‌ای درون زادر آن مقطع تاریخی، تنها از طریق گسست از انگاره حکومتی پادشاه - رعیت و در انداختن طرح نظریه جدید سیاسی بر بنیاد حقوق ملت بود. مقوله‌ای که نویسنده رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی» باوری به آن نداشت و تنها در اندیشه تحکیم حاکمیت مطلق العنانی قاجاری بود

بیت در بنام کرامت شاه

سیرت است انچه از پیش و طبع در دماغ عام بربت در آنج که در روزگار
تا سرانجام سیرت که به سیرت بران در روزگار به سیرت بران در روزگار
در غایت سیرت در روزگار این سیرت در روزگار به سیرت بران در روزگار
برت بجزل بر سیرت در وقت در روزگار به سیرت بران در روزگار
ش صفت بر سیرت در وقت در روزگار به سیرت بران در روزگار
درت در نظر احضرت در سیرت در وقت در روزگار به سیرت بران در روزگار

سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار
سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار
سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار

و کبریا کبریا علی رضایه
دانه عدل و اوج الکبیر
سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار
سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار
سیرت در روزگار در حساب سیرت در وقت در روزگار

می‌کند که بر بنیاد دانش کلامی و تاریخی خود به دفاع از حقانیت شریعت محمدی در برابر مستفتران و طبیعی مشربان بپردازد. انگیزه اصلی و اساسی رساله میزان الملل به واقع نقادی رفتار و اندیشه مستفتران بوده و نویسنده تنها در پایان رساله در قالب پاسخ به سوالاتی به راز و رمز پایداری و ترقی دولت‌ها می‌پردازد و آزادی خیال و فکر را راز ترقی فرنگستان می‌داند: «... و همچنان در عرضه داشتن خیالات خود به سلطان مختار باشند و طوری قرار دهند که هر کس خیال خیری در ترقی دولت و ملت نموده باشد به وسایل عیدیه تواند ما فی الضمیر خود را به پادشاه رساند و منافع این قرار بی‌شمار است» و به همین دلیل باور دارد که «در امور سیاسی و ترقی دولت و ملت، آزادی خیالات عموم مردم مطلبی است عمده».^{۳۳} علی‌بخش قاجار همچنین به زمینه‌های توسعه اقتصادی پرداخته و بر ضرورت ایجاد «کمپانی» تأکید می‌کند. رساله دیگر، رساله در اصلاح امور از خان خانان است، دکتر زرگری نژاد این گمان را مطرح می‌کند که شاید نویسنده آن صنیع‌الدوله باشد. هراس از تحولی ناگهانی پس از به قتل رسیدن ناصرالدین شاه نویسنده را واداشته تا با نگارش این رساله ضرورت تغییر و تحول در دستگاه حکومتی را به شاه جدید گوشزد نماید. نویسنده با ذکر انواع نظام‌های سیاسی و مذمت جمهوری، ضرورت پیروی از الگوی سلطنت معتدله را مطرح می‌کند. او معنای دولت را در این می‌بیند که «اگر در گوشه‌ای از گوشه‌های عالم دیناری نفع باشد سعی کند که به ملت متبوع او برسد و اگر ضروری است سعی کند که از ایشان ممنوع بماند». او همچنین وظیفه دولت را در این می‌داند که اسباب تربیت و آسودگی عموم خلق را فراهم بیاورد»^{۳۴} نویسنده همچنین به حقیقت آزادی اشاره می‌کند و بر این باور است آزادی آن است که هیچ‌کس را قدرت تجاوز از حد خویش نباشد.^{۳۵} او آزادی را از ضروریات جلوگیری از اشتباهات در دستگاه دیوانی می‌داند:

«دول معظمه متمدنه بر معایب امور مطلع نشدند مگر به موجب روزنامهجات آزاد». نویسنده یکی از دلایل قدرت‌یابی و پیشرفت فرنگیان را در آزادی سخن می‌داند: «و فرنگ بزرگ نشد مگر به سه چیز راه آهن، مجمع و انجمن و آزادی سخن»^{۳۶} او تحقق عدالت را نیز در ربط با آزادی بیان می‌داند. نویسنده همچنین دستورالعملی بر بنیاد تفکر سیاسی نوین برای اداره کشور تنظیم می‌کند. او از مجالس امنا و وزراء سخن می‌گوید و تکالیف و وظایف وزارتخانه‌ها را یک به یک برمی‌شمارد، و راه‌هایی برای توسعه اقتصادی ارائه می‌دهد. نویسنده جدا از دریافت محافظه‌کارانه‌اش در اصلاح امور همواره در جستجوی تلقیح آموزه‌های شریعت محمدی با سازوکارهای جدید در عرصه اندیشه و عمل سیاسی است. نویسنده هرچند سخت دین باور است اما هنگامی که به نحوه زیست روحانیان زمانه خود می‌نگرد، انتقادی سخت بنیادین بر رویه و اندیشه آنان دارد. آخرین رساله این مجموعه، ملت متمدن و تشکیلات آن از حسین بن محمود الموسوی در اندرز است. نویسنده بر بنیاد باور به الگوی آرمان شهریاری به دفاع از سلطنت مطلقه و ستیز با دیدگاه‌های جدید در عرصه سیاست پرداخته است. نویسنده که رساله خود را در دوره مظفرالدین شاه نوشته، صاحبان دیدگاه‌های جدید سیاسی را «بیهوده سرایان صفحه ارض» می‌داند و با رد اندیشه جمهورییت آن را محصول معلمین فرنگی در ایران می‌داند: «معدودی از اهل ایران هم این مطالب را در نظر گرفته، به خیالات واهی افتاده پیروی نمودند.»^{۳۷} نویسنده همچنین علت زوال امپراطوری ناپلئون را پیروی فرانسویان از اندیشه جمهوری و علت دوام حاکمیت روسیان را سلطنت مطلقه مستبد می‌داند.^{۳۸} البته بر ما روشن نیست که آیا نویسنده رساله ملت متمدن تا آنجا زیسته که شاهد شکست روسیه استبدادی از ژاپن یا شاهد فروپاشی حاکمیت تزاران توسط لنین و یارانش بوده باشد؟

بسم الله الرحمن الرحيم
 بعد از انسانی شدن و سبب انضام این حق تعالی انسان و عقله
 البیان و پس از ادای عبادت و شکر لایزال بر آن علیه العزیز و
 شکر به ابدان بیت محمد کون نالید هر چه هست در آن و این نام
 او نشر است چه این که از این پس از این است شروع هرگز نیست
 از است و زایه البیان و کمال این و کمال این و کمال این و کمال این
 مشاهده می نماید این مورد مشهور که چون بین وجود ما بودن
 حضرت ظل الله و برکت ظل الله را بدین بهاء که آنجا جویا رسیده
 از باران احسان او سرکین بود و طراوت گلزار جن انصاف را نظر
 اطوار و بنا برینند این که الله جل جلاله و کماله و کماله و کماله و کماله
 سلطان و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله
 دستگاه و مغربا بحسن و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله
 بر این کلام علی و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله
 برین

اکیس حفظ صحت جمعا نیست حلیه مشهور پوشیدار مسلم است
 که عذر آن معاینه بود و زین پوشیدار شروع در رساله نایب که
 مضمتن اکیس حفظ صحت روحانیت کرده بود امید بنیاد
 از دستان و لطف و رحمت و قربا کار جهان آنکه این رساله شریفه بر
 با کمالی مورد اعتماد بدید و در حین طریق نایب نامت رکفته
 و الحق نایب که آن وقت بر سر می آمد نهاد که مقبول نظر گویا از
 حضرت ظل الله روح العالمین مذاکره کرد و این رساله مشتمل است
 بر یک مقدمه و یک باب و یک خانم مرند در بیان آنکه کمال
 امر است عظیم و فضیلت است جب بلکه خلاقیت کبری و
 موهبتی است عظمی که قامت هر کس را بر این قامت بوی نیست
 بر وقتی که من نشاء و در بیان آنکه هرگز می توان از این راه را باستیت
 که حفظ آن بر دست و پا کمال است و باب در بیان آنکه عمده
 خصال عبید و اس و ضابطه استید یک عالم است و آن غیر نیست
 که بر این نوع نواع نواع نواع نواع نواع نواع نواع نواع نواع
 اشره گوارا از کمال حاصل می توان و در دو حالت در بیان آنکه بر
 هر نفسی که طالب حق ابدی سعادت می رسد است از کمال که گفته
 باینجا علی بنیاد و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله و کماله
 برین

تصویر دو صفحه اول نسخه
 خطی رساله «سیاست مدن»
 نوشته ساوجی

ابوطالب بهبهانی تنها راه
 برون رفت از عقب ماندگی و
 ایجاد تحول و پیشرفت را در
 «تاسی و پیروی به اعمال
 دول خارجه و اخذ رسوم و
 آداب و قواعد دول فرنگستان
 می داند» و این پیروی و
 تاسی را تا آنجا مجاز
 می شمرد که «منافی و مغایر
 با مذهب و شریعت اسلام
 نباشد»

رساله ملت متمدن و تشکیلات آن به واقع نمودار تلاش نظری هواداران
 سلطنت مطلقه در دفاع از الگوی ناکارآمد پادشاه - رعیت بود، الگویی که با انقلاب
 مشروطیت ایران از بنیاد به چالش کشیده شد.
 کتاب رسایل سیاسی عصر قاجار، خطوط عمده اندیشه سیاسی دوران
 ناصری و مظفری را نشان می دهد. مقدمه، توضیحات و پاورقی های مصحح
 فرزانه نیز به فهم بیشتر این متون یاری رسان خواننده است، مصحح محترم در
 یک مورد یعنی توضیحات در باب زندگی میرزا سعیدخان مومن الملک را با اندک
 تفاوت هایی دوبار، بار اول ص ۵۱۲ و بار دوم در ص ۶۳۵ آورده است.
 امید آن داریم که دکتر زرگری نژاد به انتشار رسایل خطی دیگر بپردازد و
 مهمتر از آن به انتشار پژوهش گسترده و بنیادین خود در اندیشه سیاسی عصر
 قاجار همت گمارد.

پی نوشت ها :

- ۱- رسایل سیاسی عصر قاجار، تصحیح: غلامحسین زرگری نژاد، تهران،
 کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲- درباره گزارش میرزا صالح و دیگر ایرانیان در آغازین دهه های عصر قاجار
 بنگرید به حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی با دو
 رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶، صص ۲۷۲ به بعد.
- ۳- بنگرید در رسایل سیاسی عصر قاجار، پیشین، مقدمه دکتر زرگری نژاد.
- ۴- رسایل سیاسی عصر قاجار، پیشین، ص ۲۸.
- ۵- همان، ص ۶۰.
- ۶- همان، ص ۸۴.
- ۷- همان، صص ۱۲۴ - ۱۲۳.

- ۸- همان، صص ۱۲۰ - ۱۲۸.
- ۹- همان، ص ۱۳۲.
- ۱۰- همان، ص ۱۴۲.
- ۱۱- همان، ص ۱۴۰.
- ۱۲- همان، ص ۱۷۰.
- ۱۳- همان، ص ۱۸۰.
- ۱۴- همان، ص ۱۸۸.
- ۱۵- همان، ص ۱۹۷.
- ۱۶- همان، ص ۲۳۷.
- ۱۷- همان، صص ۲۵۲ - ۲۵۱.

- ۱۸- برای دیدگاه های ملکم خان در این باره بنگرید به میرزا ملکم خان،
 مجموعه آثار، به کوشش محمد محیط طباطبایی، تهران، علمی، ۱۳۲۷، ص ۱۰.
- ۱۹- رسایل سیاسی عصر قاجار، پیشین، ص ۲۵۴.
- ۲۰- همان، ص ۲۷۴ - ۲۷۳.
- ۲۱- برای نمونه ای از این استدلال ها توسط علمای مشروطه خواه بنگرید به
 «رساله اللالی المربوطه» در کتابی با این ویژگی ها: غلامحسین زرگری نژاد [به
 کوشش] رسایل مشروطیت، تهران، کویر، ۱۳۷۴، صص ۵۲۱ - ۵۲۰.
- ۲۲- رسایل سیاسی عصر قاجار، پیشین، ص ۴۷۰.
- ۲۳- همان، ص ۵۰۳.
- ۲۴- همان، ص ۵۰۴.
- ۲۵- همان، ص ۵۰۹.
- ۲۶- همان، ص ۵۵۳.
- ۲۷- همان، ص ۶۰۹.
- ۲۸- همان، ص ۶۱۲.